

حمله تند «کیهان» به مولوی عبدالحمید با چاشنی «طالبان»

روزنامه کیهان در گزارشی با اشاره به برخی موضع‌گیری‌های گذشته اسماعیل زهی امام جمعه اهل سنت زاهدان، او را به فرصت‌طلبی متهم کرد.

به گزارش سایت خبری پرسون، دو تصویر متفاوت از عبدالحمید اسماعیل‌زهی در اذهان نقش بسته؛ چهره ما قبل غائله پاییز ۱۴۰۱ و پس از آن؛ با ویژگی‌ها و عقاید متفاوت و گاه متناقض با گذشته. این چرخش عبدالحمید نه از جنس تحول مبنایی بلکه از جنس چرخش‌های ابن‌الوقتی است.

او که روزی آموزش زنان را مشروط به ایجاد تفکیک جنسیتی می‌کرد، حجاب را امری واجب می‌دانست، بیرون رفتن زنان را منوط به آویختن برقع می‌کرد، گوش دادن بدون ضرورت به سخنرانی زنان برای مردان را جایز نمی‌دانست و طالبان را گروهی ریشه‌دار تلقی می‌کرد که از حمایت‌های مردمی برخوردار است و برای آنان آرزوی نصرت داشت، چه شد که در بلوای پاییز ۱۴۰۱ به یک‌باره چهره‌ای دموکراتیک، صلح‌جو و عدالت‌طلب از خود به نمایش گذاشت؛ چهره‌ای که حتی حاضر شد برای کسب وجهه و ماهی‌گرفتن از این آب گل‌آلود، چشم بر روی عقاید خود ببندد و پای زنان بی‌حجاب را به مسجد باز کند!

کسی که حتی برای ورود زنان محجبه اهل سنت به مسجد هم به تنگ‌نظری دچار بود چگونه دچار چنین تغییر موضع عجیبی می‌گردد؟ چه شد که در نقش یک مدافع حقوق بشر چنان فرو رفت که حاضر به رسمیت شناختن فرقه ضاله بهائیت هم شد؟ و این رسمیت شناختن را در مشروعیت به رژیم جعلی صهیونیستی تعمیم داد!

او به خوبی نشان داده که هدف وسیله را توجیه می‌کند و برای رسیدن به آن، می‌توان همه‌چیز را به مسلخ برد. می‌توان امنیت مردم را به مخاطره انداخت، شکاف قومیتی ایجاد کرد، التهاب را ترویج و از آن بهره‌برداری کرد و هر هفته روی آن موج‌سواری کرد.

او تصمیم گرفته که رادیکالیزم ذاتی‌اش را موقتاً کنار بگذارد تا یارکشی کند. یک عالم دین چگونه می‌تواند فارغ از هرگونه مخالفت با نظام سیاسی حاکم، روی بدیهیات دینی پای بگذارد؟

او سال ۱۴۰۱ را در تنش دائمی و یک‌طرفه با نظام به سر برد اما نمی‌تواند همچنان به این روند ادامه دهد. شاید در بستری که شعله‌های التهاب زبانه کشیده، برخی اظهارات و اقدامات در کانون توجهات قرار گیرد اما تداوم این روند عایدی خاصی برای او به‌دنبال نخواهد داشت. عبدالحمید مقاصدی را بیان می‌کند که قبلاً برخی چهره‌های سیاسی آن را بر زبان می‌راندند؛ آن هم کسانی که بین زیست‌شان با عقایدشان مشابهت وجود داشت، نه مانند عبدالحمید که به عارضه ابن‌الوقتی دچار بوده و بین چهره جدید و قدیمش تفاوت‌های فاحشی وجود دارد. او در سیاست‌ورزی خود به خامی دچار است که اگر این‌گونه نبود آهسته و پیوسته‌تر قدم برمی‌داشت. تاریخ به ما می‌گوید چهره‌هایی به مراتب مهم‌تر و سیاسی‌تر از امام جماعت مسجد مکی از مقابله فرصت‌طلبانه با نظام مستقر طرفی نبسته‌اند تا چه رسد به او!